

پناهگاه روحانیون انقلابی

موضوع:
چهره‌های
علماء و
معروف

موقعیت:
فرحزاد

علماء و چهره‌های تأثیر گذاری در محله فرحزاد سکونت داشته‌اند که هنوز فعالیت و اقدامات تأثیر گذار آنها در این محله جاری و ساری است. از یوسف فرحزادی گرفته که خانه‌اش مامن و پناه روحانیون مبارز بود تا آیت‌الله مقدسی که به نوعی ثبت احوال محله محسوب می‌شد یا شهیدانی به نام «لالی».



زین العابدین لالی، از ساکنان قدیمی محله فرحزاد، درباره علماء و چهره‌های معروف این محله می‌گوید: «یوسف فرحزادی از ساکنان قدیمی محله فرحزاد بود که به دروس حوزوی آشنایی داشت. در دوران قبل از انقلاب اغلب روحانیون و مبارزان برای فرار از دست عوامل ستم‌شاهی به منزل حاج یوسف پناه می‌آوردند. همچنین شخص دیگری به نام «مقدس‌زاده» در این محله سکونت داشت که از او به‌عنوان یکی از علمای بزرگ دوران خودش یاد می‌کنند. البته او اصالتاً مازندرانی بود و به دلیل اختلافات سیاسی که با خاندان پهلوی داشت از این شهر کوچ کرده و به فرحزاد می‌آید. آن دوران به دلیل نبود ثبت احوال، اسناد مالکیتی یا نقل و انتقالاتی که بین مردم صورت می‌گرفت، به‌صورت دستی توسط آقای مقدس‌زاده ثبت می‌شد و جنبه رسمی پیدا می‌کرد. همچنین اگر از اهالی، شخصی می‌خواست که عقدش دفترتی و مکتوب شود، سراغ او می‌آمد. برگزاری کلاس‌های آموزش و قرائت قرآن و فعالیت‌های فرهنگی هم بخشی از اقدامات مفید و مؤثر او برای این محله بود. او سال ۱۳۷۵ فوت کرد.»

در خیابان اصلی امامزاده داوود بین کوچه پس‌کوچه‌های تودرتو، کوچه «لالی» با بقیه تفاوت دارد. این تفاوت نه برای قدمت و طول و عرض کوچه است و نه برای عمارت مشهوری که جایی از آن را اشغال کرده است، بلکه به‌خاطر نام این کوچه است که از سایر کوچه‌ها تمایز پیدا می‌کند. اسمی که بار ۴ شهید را به دوش می‌کشد و خانه هر چهار نفرشان در همین کوچه واقع شده است. شهید محمد لالی، نخستین شهید فرحزاد است که روزهای اول انقلاب به‌دست منافقان در محل کارش به شهادت رسید.

از سمت راست ابراهیم و حسین لالی



بستنی با چاشنی مرام و معرفت

حاج حسن کبودر آهنگی، بستنی فروش بود که هر کسی مزه بستنی هایش را می‌چشید، مشتری اش می‌شد. فقط طعم بستنی نبود؛ حاجی آنقدر خوش اخلاق و مردم‌دار بود که مغازه‌اش پر می‌شد از مشتری‌های جورواجور. همین مرام و معرفتش بود که مشتریانش صفت «خوشمرام» را برای او برگزیدند و کنار اسمش برای همیشه ماندگار کردند.

علیرضا زمانی، تهران‌پژوه، درباره حاج خوشمرام، کاسب خوش‌آوازه فرحزادی می‌گوید: «حاج حسن سال‌ها پیش از کبودر آهنگ همدان به تهران آمد و در این میان به بیماری لاعلاجی دچار شد که دکترها جوابش کردند. بعد از مدتی شفایش را از امامزاده ابوطالب در فرحزاد گرفت و سر و همسر را برداشت و به فرحزاد کوچ کرد. ملکی نزدیک بقعه امامزاده خرید که زمینش پر از سنگ بود. حاج حسن به هر زحمتی بود بنایی روی این سنگ و کلوخ‌ها ساخت و زمین را آباد و مهبیای زندگی کرد. چند سال بعد ۴ هزار متر زمین برای گاوداری خرید که آن روزها کارگرهای زیادی را به کار مشغول کرد. حاج حسن شیر گاوها را برای بستنی‌سازی به تهران می‌فرستاد و بقیه شیرها را همان اطراف توزیع می‌کرد. طولی نکشید که

کارش گرفت و چند مغازه بستنی‌فروشی در نقاط مختلف تهران به راه انداخت. یکی از مغازه‌هایش در دست روبه‌روی تئاتر شهر، بر خیابان ولی‌عصر (عج) قرار داشت که به همین دلیل، پاتوق دانشجویان دانشگاه تهران شده بود. آن روزها بستنی‌فروشی رونق زیادی نداشت و فقط تابستان‌ها بررو بیادداشت. از این رو، حاج حسن، زمستان‌ها به جای بستنی کله و پاچه می‌فروخت و مشتری‌هایش هم با تغییر شغل، تغییر می‌کردند. در سال ۱۳۲۰ دانشجویان تابلوی بزرگی برای حاجی سفارش دادند که رویش نوشته بود: بستنی خوشمرام. یک روز جمع شدند و با سروصدا تابلو را بالای سردر مغازه زدند. دانشجویان بعد از آن روز با هم قرار گذاشتند حاج حسن را خوشمرام صدا کنند. آنقدر این قضیه جدی و همه‌گیر شد که از آن به بعد دیگر کسی حاج حسن را کبودر آهنگی صدا نکرد و اسم خوشمرام رویش ماند.»

سالی که در فرحزاد مرض سل شایع شد، بیشتر گاوهای حاج حسن تلف شدند. گاوداری از رونق افتاد و حاج حسن ورشکست شد. حاج حسن زیر این فشار از دنیا رفت. بعد از او دخترش معصومه خانم و پسرش حاج ابوطالب کار را به‌دست گرفتند و بستنی‌فروشی‌ها را سرپا کردند که تا به



پل خوشمرام هنوز هم باغداران فرحزاد را به باغ‌های بالادست می‌رساند و راه ارتباطی اهالی شرق و غرب محله است

موضوع:
حاج حسن
خوشمرام

ویژگی:
چهره
خوشنام و
مردم‌دار فرحزاد



امروز فعال است. ولی گاوداری دیگر جان نگرقت و امروز مثل خیلی از باغ‌های فرحزاد گوشه‌ای افتاده و سر و سامان ندارد. حاج ابوطالب به عشق پدرش که روزی عاشق فرحزاد بود در این محله کارگاه بستنی‌سازی دایر کرده و به نقاط مختلف تهران بستنی می‌فرستد.

بیش از ۷ دهه پیش، فرحزادی‌ها با الوارهای چوبی و تنه درختان تنومند فرحزاد، در ابتدای مسیر قدیمی امامزاده داوود (ع) پلی ساختند و نام آن را هم به یاد این هم‌محله‌ای، «خوشمرام» گذاشتند. این پل هنوز هم مهم‌ترین مسیر ارتباطی شرق و غرب فرحزاد است و اگر چه پس از ساخت مسیر جدید امامزاده داوود (ع) دیگر گذر زائران امامزاده به این جاده و پل قدیمی آن نمی‌افتد، اما هنوز این پل خاطر مانگیز از رونق نیفتاده. پل خوشمرام هنوز هم باغداران فرحزاد را به باغ‌های بالادست می‌رساند و راه ارتباطی اهالی شرق و غرب محله است. اهالی از کارهای نیک حاج حسن بسیار یاد می‌کنند و می‌گویند: «حاج حسن هر سال روز نوزدهم محرم خرج مفصلی می‌داد. آن روزها بیشتر آبگوشت نذر می‌کردند. غذای نذری او آنقدر زیاد بود که کسی دست خالی بر نمی‌گشت. مردم فرحزاد هنوز هم از حاج حسن به خوبی یاد می‌کنند.»

سفره‌های رنگین هوس برانگیز

پخت سمنو یکی از مراسم پررونق روستای فرحزاد بود که معمولاً اوایل بهار یا در مناسبت‌ها اجرا می‌شد. احترام‌السادات حصارکی، از اهالی قدیمی فرحزاد، با یادآوری خاطرات موسیقیدان فرحزاد، به شیرینی‌های زمستانی اشاره می‌کند و می‌گوید: «شیرینی مسکوفک ترکیبی از گردو و توت خشک بود که در هاون می‌کوبیدند و به شکل‌های مختلف درمی‌آوردند. شیرینی لُر زونگ هم با گردو و ترکیبی از نشاسته گندم و شکر و آب آماده می‌شد و پای ثابت جشن‌های

یلدا و نوروز بود.» اما شیرینی محبوبی که همه اعضای خانواده و به‌ویژه بچه‌ها در پخت آن مادر را همراهی می‌کردند توتک بود که ترکیبی از مواد پخت نان به همراه شکر یا خاک قند بود و بزرگ‌ترها برای قدردانی از بچه‌ها در تنور خانه‌ها می‌پختند.

آبگوشت و تاس کباب با گوشت قورمه کوزهای

احترام‌السادات حصارکی درباره ترفند قدیمی‌ها برای نگهداری از گوشت می‌گوید: «ابتدا گوشت را می‌پختند و در کوزه‌های پر از پیه و دنبه می‌ریختند و آن را در خنک‌ترین جای خانه می‌گذاشتند تا به وقت نیاز در مراسم جشن و پلوخوری و چلوخوری‌ها از آن استفاده کنند. آبگوشت، کله گنجشکی، تاس کباب و... از جمله غذاهای خوشمزه و معروف فرحزادی‌ها بود که با همین گوشت قورمه می‌پختند.»

آش رشته، آش شله‌قلمکار، آش اوماج، آش بلغور



با ترشی و اشکنه هم از جمله غذاهای پرفرقدار بود. حصارکی از چاشنی و میان‌وعده فرحزادی‌ها نیز یاد می‌کند: «از پنیسک، قاز یا قسی، صابونک و شنگه در طبخ برنج، آش و نرگسی استفاده می‌شد. والک، سیرک و پیازک هم سبزی‌هایی بود که با آن والک‌پلو، سیرک‌پلو و انواع کوکو می‌پختند.» در میان همه خورش‌ها، خورش فسنجان حکایت دیگری دارد آن هم به دلیل وجود باغ‌های فراوان گردو در فرحزاد.

راسته کباب و ریحون و دورهمی

زین العابدین لآسی، از اهالی قدیمی فرحزاد، درباره باغ‌رستوران‌های محله می‌گوید: «کافه پاچنار با دو چنار کهنسالش از قدیمی‌ترین رستوران‌های فرحزاد است. از دهه‌های گذشته که مسافران زیر سایه درختان اطراف رستوران پاچنار نفس تازه می‌کردند و چای و قهوه می‌نوشیدند و ادامه مسیر به سمت امامزاده داوود (ع) را پیش می‌گرفتند تاکنون، این رستوران به مسافران خدمات می‌دهد.»

در دهه ۵۰ چند رستوران دیگر به محله فرحزاد اضافه شد. رستوران عبدالرزاق که متعلق به حاج حسین علی بود فقط از بهار تا اواخر پاییز باز بود، اما در زمستان به دلیل برف و سرما بسته می‌شد. رستوران دیگری به نام کاظمی و پسرانش هم بود که اکنون نیز فعال است. در حال حاضر بیش از ۲۰۰ باغ و رستوران در منطقه فرحزاد وجود دارد که میزبان تهرانی‌ها و مسافران پایتخت است.

